

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

مسئله نهم: وجوب احتیاط در زمان فحص

مرحوم امام(ره) در مسئله نهم فرموده‌اند: «يجب على العامي في زمان الفحص عن المجتهد أو الأعلّم أن يعمل بالاحتياط، و يكفي في الفرض الثاني الاحتياط في فتوى الذين يحتمل أعلميتهم، بأن يأخذ بأحوط أقوالهم»، مقلد و عامي زمانی که فحص می‌کند تا مجتهد را پیدا کند، بالاخره مدت زمانی لازم است تا مقلد و عامی تفحص کرده و مجتهد را پیدا کند، در فرضی که بگوییم: تقلید از اعلّم لازم نیست، بالاخره باید اصل اجتهاد شخص را احراز کند، تا بتواند از او تقلید کند و یا بنا بر این مبنا که بگوییم: تقلید از اعلّم لازم است، مدت زمانی باید فحص کند تا اعلّم را پیدا کند، امام(ره) در این زمان فرموده‌اند: احتیاط بر او واجب است.

دلیل لزوم احتیاط، دلیل واضح و روشنی است، چون این عامی علم اجمالی به يك سري الزامات و تكلیفات الزامیه دارد، که در شریعت مقتضای این علم اجمالی این است که عقل به او می‌گوید: باید برائت ذمه و برائت یقینیه حاصل کند، که برای حصول برائت یقینیه، در این زمانی که فحص از مجتهد یا اعلّم می‌کند، احتیاط بر او واجب است.

عدم جواز ترک احتیاط و رجوع به محتمل المجتهد

در اینجا چند نکته را باید مورد توجه قرار داد؛ نکته اول این است که آیا در این زمانی که فحص از مجتهد می‌کند، می‌تواند به فتوای کسی که احتمال اجتهادش را می‌دهد عمل کند یا نه؟ الان این عامی می‌داند که در این زمان پنج، شش نفرند که احتمال می‌دهد مجتهد در میان آنها باشد، خوب در اینجا بگوییم: بر طبق این احتمالش دیگر احتیاط لازم نیست و به قول یکی از اینها عمل کند، همان طور که در مسئله تقلید اعلّم می‌گفتیم: اگر کسی احتمال اعلمیت کسی را داد، می‌تواند به آن محتمل الاعلم رجوع کند. به عبارت اخري سوال این است که آیا می‌تواند به محتمل المجتهد رجوع کرده و احتیاط را کنار گذارد یا نه؟

جواب این است که خیر، اجتهاد را باید احراز کنیم، اگر به قول کسی که احتمال اجتهادش را می‌دهد عمل کند و بعد هم معلوم می‌شود که او مجتهد نبوده، در اینجا نمی‌تواند به مجرد این که اجتهاد کسی را احتمال داد، به قول او عمل کند.

عمل به فتوای میت در زمان فحص

نکته دوم این است که بگوییم: چه عیبی دارد که در این فرض به فتوای میت عمل کند؟ این شخص می‌داند که در میان اموات، مجتهد مسلم یا اعلّم وجود داشته و رساله‌شان هم موجود است، بگوییم: الان که می‌خواهد عمل بکند، به فتوای آن میت عمل کند.

قبلاً وقتی بحث تقلید از میت را مطرح کردیم، در این که آیا تقلید از میت جایز است یا نه؟ محل نزاع جایی بود که يك مجتهد حي وجود داشته باشد، يك مجتهد میت هم باشد، و الا بر فرض اینکه در بین احیا مجتهد نباشد، دیگر راهی غیر از تقلید از میت نداریم.

حال در اینجا هم این حرف را زده بگوییم: در زمانی که عامی از وجود مجتهد حي فحص می‌کند و هنوز مجتهد حي را پیدا نکرده، می‌تواند بر طبق فتوای يك میت عمل کند.

خوب این هم جوابش این است که در اینجا چون این عامی، احتمال وجود مجتهد حي را می‌دهد، با وجود مجتهد حي، دیگر یقیناً می‌گوییم: تقلید ابتدایی از میت جایز نیست و نمی‌شود از او تقلید کرد، لذا در اینجا نمی‌تواند روی نظر میت عمل کند.

دو احتمال در محدوده احتیاط در اینجا

پس این دو راه باطل شد و فقط يك راه باقی می‌ماند و آن هم احتیاط است، که این عامی در زمانی که فحص می‌کند، تا مجتهدش را پیدا کند، بر او احتیاط واجب است و عقل حکم به لزوم احتیاط می‌کند، لکن بحث در اینجا این است که دایره این احتیاط چیست؟

یک احتمال این است که این عامی باید به گونه‌ای احتیاط کند که این احتیاط با جمیع انظار مجتهدین، من الحي و الميت موافق باشد، که ظاهر عبارت قسمت اول و همچنین عبارت مرحوم سید(ره) در عروه همین است.

این مسئله را مرحوم سید(ره) در عروه به عنوان مسئله 50 مطرح کرده و فرموده: «يجب على العامي في زمان الفحص عن المجتهد أو عن الأعلام أن يحتاط في أعماله»، باید در اعمال خودش احتیاط کند، یعنی احتیاطی که همه اقوال را، از موجودین و غیر موجودین، همه را شامل شود.

احتمال دوم این است که دایره این احتیاط فقط در میان موجودین است، برای اینکه قول اموات و میت برای این عامی حجیتی ندارد، پس دایره این احتیاط در میان همین فقهاء و کسانی است که محتمل الاجتهاد هستند، که ظاهر هم همین است، چون وقتی گفتیم که قول میت اعتباری ندارد، باید در میان این موجودین به گونه‌ای احتیاط کند، که مطابق با قول این موجودین باشد، لذا در حاشیه عروه بعضی از محشین این حاشیه را دارند که «و لو بالعمل بأحوط الأقوال من الموجودين».

حال در این مسئله نهم کسانی که تقلید از اعلم را لازم می‌دانند، وقتی عامی فحص می‌کند، تا اعلم را پیدا کند، این هم باید به احتیاط عمل کند، منتها دایره عملش به احتیاط محدودتر از فرض قبل است، یعنی این عامی که می‌خواهد اعلم را پیدا کند، کسانی را که احتمال اعلیتشان را می‌دهد جدا می‌کند، مثلاً می‌گوید: در این زمان بیست مجتهد داریم، از میانشان سه، چهار نفر محتمل اعلیمه هستند، که آنها را جدا کرده و احتیاطی مطابق با نظر چهار نفر را می‌گیرد.

امام(ره) هم همین نظر را داشته و لذا فرموده‌اند: «و يكفي في الفرض الثاني الاحتياط في فتوى الذين يحتمل أعلمتهم، بأن يأخذ بأحوط أقوالهم»،

در همان مسئله پنجاه عروه هم، مرحوم آقای بروجردی(ره) در حاشیه‌ای که زده‌اند، همین مطلب را عنوان کرده‌اند، مرحوم امام(ره) هم در آنجا همین حاشیه را داشته‌اند، مرحوم نائینی(ره) هم همین حاشیه را داشته، ایشان در مسئله 50 اول این طور فرموده: «و يكفي فيه الأخذ بأحوط أقوال الموجودين في عصره»، به احوط الاقوال از موجودین اخذ کند و بعد فرموده‌اند: «بل لو

علم بأعلمية أحد الشخصين أو الأشخاص المعيّنين يكفيه الأخذ بأحوط أقوالهم و لا يجب تعيين شخصه»، اخذ به احوط الاقوال از میان محتمل الاعلامیه‌ها کافی است و تعیین شخصش دیگر لازم نیست.

علي‌اي‌حال این نکته‌اي است که دقت فرمودید که قول به تقلید از غیر اعلم، در اینجا مشکل می‌شود، چون بنا بر قول به این که تقلید از اعلم لازم نیست، در این بحث دایره احتیاط وسیع‌تر و مشکل‌تر می‌شود.

مسئله دهم: جواز تقلید غیر اعلم در صورت موافقت یا عدم علم به مخالفت با اعلم

مرحوم امام(ره) در مسئله دهم فرموده‌اند: «يجوز تقليد المفضل في المسائل التي توافق فتواه فتوى الأفضل فيها، بل فيما لا يعلم تخالفهما في الفتوى أيضاً».

این مسئله دهم را هم قبلاً مفصل بحث کردیم، یعنی وقتی بحث از تقلید اعلم را مطرح کردیم، این بحث مطرح بود که گفتیم: اگر ادله تقلید از اعلم هم تمام باشد، تقلید از اعلم با دو شرط واجب است؛ اولاً این که علم به اختلاف در فضل داشته باشیم، یعنی بدانیم که زید اعلم از عمرو است، حتی گفتیم که اگر احتمال می‌دهیم که زید اعلم از عمرو باشد، این احتمال به درد نمی‌خورد، به خلاف عده زیادی که گفته‌اند: این احتمال هم به درد می‌خورد.

ثانیاً باید علم به اختلاف در فتوا داشته باشیم، که فتوای اعلم با غیر اعلم مخالف است.

پس ادله تقلید از اعلم با این دو شرط، تقلید از اعلم را لازم می‌کند، حال اگر در جایی علم داریم که بین اعلم و غیر اعلم توافق وجود دارد، در اینجا دیگر لزومی ندارد که بگوییم: تقلید از اعلم لازم است، یا در جایی هم که علم به موافقت و مخالفت نداریم، همین طور است.

امام(رضوان الله علیه) در این مسئله فرموده‌اند: تقلید مفضل یعنی غیر اعلم هم، در مسائلی که فتوای آن مفضل با فتوای افضل موافق است، هم جایز است.

بعد فرموده‌اند: «بل فيما لا يعلم تخالفهما في الفتوى أيضاً»، بلکه در موردی هم که علم به تخالف در فتوا نداشته باشیم، یعنی نمی‌دانیم بین اعلم و غیر اعلم اختلاف است یا نه، در اینجا هم تقلید از مفضل جایز است.

وجه احتیاط مرحوم سید(ره) در ما نحن فيه

خوب دلیل این مسئله را قبلاً مفصل گفتیم و دیگر نیازی به این که تکرار کنیم ندارد، حتی کلام مرحوم سید(ره) را هم بیان کردیم که فرموده‌اند: تقلید از مفضل حتی در فرضی که فتوای مفضل با فتوای افضل موافق است، خلاف احتیاط است.

دقت داشته باشید که نگفته‌اند: جایز نیست، بلکه فرموده‌اند: این خلاف احتیاط است، که در آنجا وجه این احتیاطی را که سید(ره) بیان کرده، عرض کردیم که می‌گویند: فتاوا و به طور کلی حجج شرعی، به مجرد وجود خارجیشان اتصاف به حجیت پیدا نمی‌کنند، بلکه زمانی که مکلف استناد به این حجت پیدا کند، حجت می‌شوند.

لذا دلیلی که برای این احتیاط مرحوم سید(ره) می‌شود بیان کرد همین است، که در اینجا باید بگوییم که این مکلف تنها می‌تواند

استناد به تقلید اعلم کند، اما به غیر اعلم نمی‌تواند استناد کند و یا مشکوک است، پس احتیاط این است که مستنداً به فتوای اعلم در اینجا عمل کند.

پاسخ استاد محترم از این احتیاط

خوب قبلاً هم جواب دادیم و گفتیم که در باب حجیت، خود فتوا ذاتاً حجیت دارد، فتوا چه مکلفی باشد چه نباشد، چه مکلفی به آن عمل کند چه عمل نکند، خود فتوا اتصاف به حجیت دارد. قبلاً مثال و تشبیهی هم عرض کردیم که به باب خبر واحد قیاس کردیم و گفتیم: در خبر واحد اگر کسی به خبر واحد عمل نکرد، آیا این خبر واحد حجیت ندارد؟ یعنی اگر خبر واحد عادل با همه شرائط صادر شد، اما مردم به آن عمل نکردند، این از حجیت ساقط نمی‌شود، پس بنابراین استناد یا عمل در حجیت دخالت ندارد.

قبلاً این را گفتیم که اگر استناد و عمل بخواهد در حجیت دخالت داشته باشد، دور لازم می‌آید، به این بیان که زمانی مکلف می‌تواند استناد کند که حجت وجود داشته باشد، یعنی مکلف اگر بخواهد به چیزی استناد کند و به استناد آن عمل کند، باید قبل از استناد حجیت داشته باشد.

پس استناد متوقف است بر این که قبلاً حجیت داشته باشد، اما از آن طرف می‌گویید: حجیت متوقف بر استناد است، که این دور است، می‌خواهید بگویید: مادامی که این شخص، به این قول استناد نکرده، این قول حجیت ندارد، پس حجیت متوقف بر استناد است، استناد هم که متوقف بر حجیت، پس هذا دور.

نظر استاد محترم در این بحث

بنابراین در اینجا که فتوای اعلم و غیر اعلم موافق با یکدیگر است، قطعاً می‌توانیم به قول یکی از این دو استناد و عمل کنیم، حتی به صورت غیر معین، که قبلاً گفتیم: در باب تقلید لازم نیست که زید معین کند، بلکه باید بگوید: من به این فتوا می‌خواهم عمل کنم، اما ندانم این فتوا، فتوای زید است یا عمرو، اشکالی ندارد، چون در باب تقلید، تعیین مقلد لازم نیست.

لذا اینجا که فتوای مفضول و افضل موافق با یکدیگر است، می‌تواند به هر کدام عمل کند و اساساً گفتیم که دلیلی که بر لزوم تقلید از اعلم دلالت دارد، که عمده‌اش سیره عقلانی و دوران بین تعیین و تخییر بود، می‌گوید: فقط در جایی که علم به مخالفت دارید، باید سراغ اعلم بروید، اما در جایی که نمی‌دانید که موافق هستید یا مخالف، یا در جایی که موافقت وجود دارد، نه دوران وجود دارد و نه سیره عقلانی بر این معنا قائم است.

منتها بحثی که در اینجا وجود دارد این است که امام(ره) در دنباله مسئله فرموده‌اند: «بل فیما لا یعلم تخالفهما فی الفتوی ایضاً»، در جایی هم که تخالف اینها در فتوا را نمی‌دانیم، که این را به صورت ترقی بیان کرده‌اند، البته چون اصل کتاب امام(ره) وسیلة النجاة مرحوم اصفهانی(ره) بوده، که در وسیلة النجاة ظاهراً تا قبل از این «بل» آمده و از این «بل» به بعد را امام(ره) به عنوان نظر خودشان گنجانده‌اند.

البته قبلاً هم گفتیم که بعضی از بزرگان مثل والد معظم ما(دام ظلّه) قائل‌اند به این که در موردی که علم به اختلاف یا اتفاق نداریم، باز سیره عقلانی بر رجوع به اعلم است، یعنی در این معنا با امام(ره) همراهی نکردند، امام(ره) فرموده: در جایی که نمی‌دانیم بین اعلم و غیر اعلم اختلاف است یا نه، می‌شود به فتوای هر کدام عمل کرد، اما والد معظم ما(دام ظلّه) فرمودند: در

جايي كه نمي‌دانيم بين اعلم و غير اعلم اختلاف است يا نه، بايد به اعلم رجوع كرد.

ما هم همين نظر امام(ره) را تقويت كرده گفتيم: ادله تقليد از اعلم شامل جايي كه علم به موافقت و مخالفت نداريم، نمي‌دانيم با هم موافق هستند يا مخالف، نمي‌شود.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ